

## بررسی جامعه‌شناختی ناپایداری تحولات دموکراتیک در ایران معاصر

محمود سلطانی عزت<sup>۱</sup>

ابراهیم متقی<sup>۲</sup>

مهرداد نوابخش<sup>۳</sup>

تاریخ وصول: ۹۷/۱۲/۱۷

تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۲/۲۷

### چکیده

این پژوهش با هدف شناسایی علل ناپایداری تحولات دموکراتیک در ایران معاصر انجام شد. چهار موج گذار به دموکراسی در ایران عبارتند از: انقلاب مشروطیت، نهضت ملی شدن نفت، انقلاب اسلامی ۵۷ و جنبش اصلاحات. اما در هر مقطع ما شاهد واقعه دموکراسی شکننده هستیم. جهت تبیین این مسأله، صاحب‌نظران به طرح دیدگاه‌های خود پرداخته‌اند. تئوری تلفیقی ساموئل هانتینگتون با تأکید بر نقش قابلیت رهبران به عنوان عاملیت و تأثیر ماهیت دولت، جامعه مدنی و شرایط بین‌المللی به عنوان شرایط ساختاری در ایران معاصر، به عنوان تئوری راهنما در تحلیل کیفی مطرح شده است. از روش تاریخی - تطبیقی با جبر بولی استفاده شده است. نتیجه تحلیل کیفی این پژوهش قدرت تبیین وجه ساختاری تئوری هانتینگتون را نشان می‌دهد. هرچند که قابلیت رهبری و نفوذ و دخالت قدرت‌های بزرگی چون آمریکا، انگلیس و روسیه در تاریخ معاصر اثرگذار بوده‌اند اما شرط کافی برای تحکیم دموکراسی نبوده‌اند. در تحلیل نهایی، ضعف جامعه مدنی و شکنندگی ماهیت دولت (پاتریمونیالی، رانتیر و ایدئولوژیک) به عنوان شرط لازم و کافی واقعه دموکراسی شکننده در ایران معاصر مطرح است.

**واژگان کلیدی:** دموکراسی شکننده، ماهیت دولت، جامعه مدنی.

۱- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲- استاد گروه علوم سیاسی، دانشگاه تهران، ایران. (نویسنده مسئول). emottaghi@ut.ac.ir

۳- استاد گروه جامعه‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

#### مقدمه

در دوره معاصر داشتن حکومت‌های انتخابی نتیجه آن چیزی است که ساموئل هانتینگتون آن را «موج سوم دموکراتیک شدن» نامید. فهم علت گذار و عدم گذار برخی کشورها، موضوعی مهم بوده است (تیلی، ۱۳۹۲: ۷) تحقیق درباره دموکراسی و تحلیل آن تا حدود زیادی منوط به فهم دقیق ماهیت دموکراسی است. منظور از دموکراسی را می‌توان شامل دو دسته اصلی دانست: الف) دموکراسی به مثابه روش ب) دموکراسی به مثابه ارزش. در این پژوهش دموکراسی به منزله روش و شیوه‌ای از حکومت مطرح است. همان‌طور که و.ب.گالی<sup>۱</sup> نامیده بود، دموکراسی «مفهومی اساساً قابل بحث» است (دال، ۱۳۸۹: ۱۵). ژوزف شومپتر<sup>۲</sup> در ۱۹۴۲ مفهوم دموکراسی را روش دموکراتیک ترتیبات سازمان یافته‌ای می‌داند برای نیل به تصمیمات سیاسی که در آن افراد، از طریق انتخابات رقابت‌آمیز و رأی مردم، به قدرت و مقام تصمیم‌گیری می‌رسند (هانتینگتون، ۱۳۹۴: ۹).

وضعیت گذار به دموکراسی در ایران بیانگر آن است که عقاید دموکراتیک جدید در چالش با ایدئولوژی اسلامی مسیره‌های تازه‌ای گشوده که می‌توانند رهیافت‌های جدیدی متناسب با فرهنگ بومی و خواست‌های مردم پدید آورند. نخستین موج دموکراسی‌خواهی در ایران ریشه در جنبش‌های آزادی‌خواهانه قرن نوزدهم دارد که در نهایت به انقلاب مشروطه و شکل‌گیری نظام مشروطه سلطنتی انجامید. اندیشه دموکراسی، آزادی‌خواهی و مشروطیت در ایران، به واسطه فرنگ رفته‌هایی که به دلایل مختلفی چون تحصیل، سیاحت یا مأموریت اداری، مدنیت و دموکراسی غربی را مشاهده کرده بودند یا روشنفکرانی که کمابیش از طریق اخبار، جراید و کتب رسیده از مغرب زمین با تحولات اروپا آشنا شده بودند، گسترش می‌یافت. البته توده‌های مردم نیز با رسیدن اخبار ترقی و اصلاح از کشورهای همسایه، آن هم در شرایطی که در داخل، فساد، نابسامانی و خودکامگی بر کشور حاکم بود، به اصلاح و دگرگونی علاقه‌مند می‌شدند و سرانجام اندیشه‌های آزادی‌خواهانه به همراه انزجار و نارضایتی توده‌های مردم از استبداد حاکم، منجر به انقلاب مشروطیت ایران و برپایی نظام مشروطه پارلمانی شد.

روند تحولات سیاسی در ایران به گونه‌ای پیش رفت که طی سال‌های ۱۳۰۵ تا ۱۳۲۰، نظام سیاسی حاکم در استبداد مطلق رضاشاهی قرار گرفت. مجموعه تحولات بعد از شهریور ۱۳۲۰ که با دخالت مستقیم بیگانگان در ایران و سقوط سلطنت رضاشاه آغاز شد و فضایی نسبتاً آزاد برای مدت کوتاهی ادامه یافت، که البته چندان عمق و دوامی در تحکیم دموکراسی در ایران نداشت اما به واسطه تمایز آشکارش با دوره پیشین و پسین می‌توان آن را آغاز دومین موج دموکراسی در ایران قلمداد کرد.

سومین موج دموکراسی در ایران که به لحاظ گستره و میزان تحولات بسیار وسیع تر از امواج پیشین است، با پیروزی انقلاب اسلامی ایران در بهمن ۱۳۵۷ شکل گرفت. مجموعه تحولات بین سال‌های

1- W.B.gallie

2- Joseph schumpher

۱۳۶۸ تا ۱۳۷۶ فضای سیاسی خاصی را در ایران رقم زد که در جریان انتخاب دوم خرداد ۱۳۷۶ به نتیجه‌ای پیش‌بینی‌ناپذیر در انتخاب رئیس‌جمهور منجر شد (شهرام نیا، ۱۳۸۵: ۲۸۶-۲۶۴).

حال باید دید وضع ایران در این دوره‌های گذار در بین اوضاع جهانی گذارهای دموکراتیک چگونه بوده است. موج نخست گذار در جهان، مقارن ایامی است که ایران در عهد قاجار و پس از شکست‌های خود از یک کشور مدرنیزه یعنی روس (و تحمیل عهدنامه گلستان و ترکمنچای) تجربه کرد. از آن زمان بذره‌های نوگرایی در ذهنیت برخی از نخبگان دولتی و غیر دولتی ما کم و بیش افکنده شد و اقداماتی نیز تا دوره رضاشاه به تناوب صورت گرفت. تا اینکه با موج دوم در شهریور ۱۳۲۰، تجربه ناپایداری از دموکراتیزاسیون در ایران صورت پذیرفت ولی شکل سیاسی دموکراسی استقرار نیافت. موج سوم دموکراسی که شروع شد در ایران نیز طنین انداخت ولی با مبارزات دینی و ایدئولوژیک که از مدتی پیش بر ضد حکومت توسعه‌گرا و در عین حال استبدادی پهلوی دوم جریان داشت به هم آمیخت. این ترکیب حوادث و جریان‌ها به پیروزی انقلاب اسلامی انجامید که در آن اولاً شکل حکومت دموکراسی غربی به رسمیت پذیرفته نشد و ثانیاً جریان مدرنیزاسیون قبلی در کشور به هم خورد. این وضع ایران در ۱۵ سال اول موج سوم بود. سپس با آغاز دهه ۹۰ ابتدا حرکت‌هایی در جهت توسعه (تحت عنوان تعدیل و سازندگی) و آنگاه در دو سه سال پایان همان دهه تحولاتی نوعاً آسیب‌پذیر و ناموزون در جهت دموکراسی (تحت عنوان جنبش دوم خرداد) شکل گرفت (فراستخواه، ۱۳: ۷۲).

به نظر می‌رسد که طی ۲۵ سال گذشته گذار به دموکراسی مهم‌ترین فرآیند سیاسی در مقیاس جهانی باشد (بشیریه، ۱۳۸۴: ۸۹). بحث دموکراسی از آن نظر حائز اهمیت است که گه‌گاهی صداهای مخالف و مایوس‌کننده‌ای از اطراف و اکناف به گوش می‌رسد که ادعا دارند نظام دموکراتیک جواب نداده است. با توجه به اهمیت مردم و افکار آنان در تعیین‌کنندگی مسائل سیاسی و اجتماعی، دموکراسی شاید تنها نظامی است که از بیش‌ترین کارآمدی برخوردار است.

با نگاهی به وضعیت ایران معاصر این موضوع به ذهن متبادر می‌شود که با وجود تحولات دموکراتیک در چهار برهه تاریخی چرا روند دموکراتیزاسیون در ایران تثبیت نشد؟ بدون تردید شناسایی چالش‌های فراروی دموکراسی در ایران به هموار نمودن زمینه‌های گذار و تثبیت آن کمک خواهد کرد.

نظریه‌های متعددی درباره دموکراتیزاسیون وجود دارد که هر یک به نوعی این فرآیند را تشریح کرده‌اند. عده‌ای با تأکید بر جنبه‌های ساختاری، گروهی دیگر بر این باورند که عامل کلیدی تحولات سیاسی در یک کشور اراده نخبگان است و اما گروهی دیگر بر تلفیق و ترکیب ساختار و عاملیت تأکید دارند (صالحی، ۱۳۸۸: ۲۴).

ساموئل هانتینگتون<sup>۱</sup> در کتاب موج سوم دموکراسی که نمونه ای از آثار نسل سوم نظریه‌ها است، سه موج خیزش دموکراسی و دو موج برگشت رژیم‌های اقتدارگرا در تاریخ جهان را قابل مشاهده می‌داند. وی گذار به دموکراسی را بدین صورت تعریف می‌کند: «اگر انتخابات عمومی برای انتخاب تصمیم‌گیرندگان اصلی را اساس دموکراسی در نظر بگیریم بنابراین نقطه عطف در فرآیند دموکراتیک شدن عبارت از عوض شدن حکومتی است که این‌گونه انتخاب نشده است با حکومتی که در یک انتخابات آزاد، باز و منصفانه انتخاب شده است». ملاک سنجش هانتینگتون برای دموکراتیک شدن تنها برگزاری انتخابات عمومی آزاد و علمی و یا رعایت عدالت و انصاف است (عبادی، ۱۳۹۵: ۴۷). هانتینگتون تحکیم دموکراسی را منوط به وجود عوامل زیر می‌داند:

۱- فرهنگ دموکراتیک<sup>۲</sup>: دموکراسی‌های نوپا، با انبوهی از مشکلات روبرو هستند که هیچ حکومتی قادر به حل آن نیست و اصولاً دموکراسی «بدین معنی نیست که تمام مشکلات رفع می‌شود، بلکه معنای آن، این است که حکمرانان را می‌توان تغییر داد، زیرا در مورد نخستین که کاری نمی‌شود کرد». بنابراین مهم‌تر از خود مشکلات، شیوه برخورد رهبران و مردم با آن است.

۲- قابلیت نخبگان<sup>۳</sup>: تحکیم دموکراسی در یک کشور نیازمند همکاری و هماهنگی رهبران حزبی، نظامی، فرهنگی و اقتصادی برای حل مشکلات و عدم بهره‌برداری سیاسی از بحران‌های فراروی نظام و حکومت است. اما اگر این احترام به جای اتحاد برای دموکراسی، از مشکلات نظام، برای منافع فردی و گروهی خود استفاده نمایند، نهادهای دموکراتیک، همواره متزلزل و شکننده باقی خواهند ماند.

۳- تفکیک حکومت از حکومت‌کنندگان: در جوامعی که مردم می‌توانند این تمایز را ایجاد کنند، مشروعیت دموکراتیک به آسانی مورد تردید قرار نمی‌گیرد. اما در نظام‌هایی که چنین توانایی‌هایی وجود ندارد، مردم به زودی از رویه‌های دموکراتیک ناامید و سرخورده می‌گردند، گزینه‌های جدید دموکراسی را جستجو می‌کنند و حسرت بازگشت به دوران اقتدارگرایی را دارند. علاوه بر موارد فوق، عوامل زیر نیز در تقویت آن موثر است:

۴- دارا بودن پیشینه دموکراتیک<sup>۴</sup>: کشورهایی که سابقه و تجربه پیشین و زیادتری در داشتن دموکراسی دارند، احتمال تقویت و تداوم دموکراسی زیادتر است. اما آنانی که تازه به این عرصه قدم گذاشته‌اند، شکنندگی بیش‌تری دارند.

- 
- 1- Samuel Huntington
  - 2- Democratic culture
  - 3- Elite Ability
  - 4- Democratic background

۵- عوامل بین‌المللی<sup>۱</sup>: حمایت و پشتیبانی کشورهای دموکراتیک، دموکراسی را در کشورهای دیگر تقویت می‌کند. این عامل در گذار و تحکیم بسیاری از کشورها نقش داشته است و در شرایط جهانی شدن یکی از عمده‌ترین عوامل گسترش دموکراسی در کشورهای مختلف می‌باشد (صالحی، ۱۳۸۸: ۴۸). هانتینگتون دموکراتیک شدن را با نگاهی تلفیقی باگزاره‌های زیر بیان می‌کند:

۱- هیچ عامل واحدی برای تبیین تحولات دموکراتیک در تمام کشورها و یا در یک کشور واحد کافی نیست. ۲- هیچ عامل واحدی برای تکامل دموکراسی در تمام کشورها ضرورت ندارد ۳- دموکراتیک شدن در هر کشور حاصل ترکیب علت‌هاست ۴- ترکیب علت‌هایی که دموکراسی را ایجاد می‌کند از کشوری به کشور دیگر متفاوت خواهد بود ۵- ترکیب علل مسئول یک موج از دموکراتیک شدن، با ترکیب علل مسئول موج دیگری متفاوت خواهد بود ۶- عواملی که مسئول تغییرات اولیه در موج دموکراتیک شدن هستند احتمال دارد متفاوت از آن‌هایی باشند که مسئول تغییر رژیم بعدی در همان موج هستند (عبادی، ۱۳۹۵: ۴۸).

بنابراین ساموئل هانتینگتون، هم بر نقش ساختارها و هم بر نقش نخبگان در فرآیند گذار به دموکراسی تأکید می‌کند. در ارتباط با بحث دموکراسی شکننده نیز بر مبنای چارچوب نظری هانتینگتون در ایران می‌توان عوامل را به صورت زیر فرمول‌بندی کرد:

**جدول (۱): عوامل مؤثر بر ناپایداری تحولات دموکراتیک در ایران معاصر بر مبنای چارچوب نظری هانتینگتون**

نظر به تلفیقی ساموئل هانتینگتون و استخراج عوامل	
عوامل فردی	قابلیت رهبری
عوامل ساختاری	ماهیت دولت
	جامعه مدنی
	شرایط بین‌المللی

**روش**

ماهیت موضوع دموکراسی شکننده که در حوزه جامعه‌شناسی سیاسی است ایجاب می‌کند که از روش‌های ترکیبی متناسب با تحلیل ناپایداری تحولات دموکراتیک استفاده کرد. در این پژوهش چون موضوع ناپایداری تحولات دموکراتیک و بررسی بی‌ثباتی فرآیندهای دموکراتیک در ایران مطرح است، روش تطبیقی- تاریخی<sup>۲</sup> برای درک بهتر موضوع می‌تواند راهگشا باشد. دلایل علمی انتخاب این روش عبارت است از:

- فرآیند تحولات دموکراتیک یک امر تاریخی است.
- هدف مقایسه دوره‌های زمانی تحولات دموکراتیک در ایران است.

1- International factors

2-rComparative-historical method

- شواهد و مدارک در رابطه با موضوع دموکراسی به خاطر ماهیت موضوع محدود و غیر مستقیم است و محقق امکان مشاهده یا دخالت مستقیم را ندارد و تنها می‌توان بر اساس شواهد و مدارک موجود به بازآفرینی آن چه روی داده است پرداخت.

- با توجه به ماهیت روش تاریخی - تطبیقی که علیت را بیش تر مشروط و احتمالی می‌داند تا جبرگونه، لذا از تبیین‌های ترکیبی بهره می‌گیرد یعنی سطح خرد (کنش متقابل رودررو) را با سطح کلان (ساختارهای اجتماعی پهن دامنه) تلفیق کرده و هر دو را با هم پیوند می‌دهد. در این پژوهش می‌توان عامل نخبگان، ماهیت دولت، فرهنگ دموکراتیک و عامل خارجی تحولات دموکراتیک را ترکیب و جهت تبیین موضوع از آن‌ها استفاده به عمل آورد.

- روش تاریخی - تطبیقی می‌تواند در یک بستر خاص (ایران معاصر) به مقایسه‌های عام (تفاوت‌ها و تشابهات امواج دموکراسی) بپردازد.

تحقیق تطبیقی - تاریخی در دو سطح قابل انجام است: تحلیل درون موردی<sup>۱</sup> و تحلیل بین موردی. در این تحقیق تحلیل تاریخی - روایتی به مثابه تکنیک تحلیل درون موردی و تحلیل بولی به مثابه یکی از الزامات تکنیکی تحلیل بین موردی مطرح شده است (ساعی، ۱۳۹۲: ۵۶). روش تحلیل تاریخی - روایتی بر ماهیت زمینه‌مندی، زمان‌بندی و فرآیندی تحولات دموکراتیک تأکید دارد. در تحلیل تاریخی - روایتی، توالی تاریخی حوادث و فرآیندها از زمان انقلاب مشروطه تا به امروز بررسی و سلسله‌های روایتی که در مرحله پایانی به تولید دموکراسی شکننده منجر می‌گردند، روایت می‌شوند. از طریق تحلیل روایتی، توالی رویدادها به صورت یک داستان از نقطه آغازین تا نقطه پایانی؛ یعنی، وقوع آخرین مرحله (دموکراسی شکننده) نقل می‌شود. نقطه آغازین حوادث و پایان آن و پیوندهای علی را تئوری هانتینگتون هدایت می‌کند. در این معنا تحلیل شواهد تجربی مربوط به توالی حوادث در ایجاد دموکراسی شکننده مبتنی بر فرضیات علمی است که از تئوری‌ها استنتاج شده‌اند. در تحلیل درون موردی هدف عمده، مطالعه میزان تأثیرپذیری چارچوب نظری تحقیق با دموکراسی شکننده است.

در اینجا چهار واقعه گذار به دموکراسی در ایران معاصر به مثابه کل ترکیب‌بندی شده، برحسب عضویت و عدم عضویت در مجموعه‌ها بررسی می‌شود. لذا تحلیل تطبیقی - تاریخی، کل‌گرایانه است. تحلیل کل‌گرایانه نیازمند تبیین مسئله از طریق علیت ترکیبی است. در این پژوهش ابتدا هر یک از امواج چهارگانه گذار به دموکراسی به عنوان یک کل بررسی می‌شود که به آن تحلیل درون موردی گفته می‌شود که از طریق آن درک عمیقی از فرآیند وقوع دموکراسی شکننده در تاریخ معاصر پیدا می‌کنیم. در اینجا زمینه نقش کلیدی را بازی می‌کند؛ آن‌گاه امواج چهارگانه به عنوان کل‌ها با یکدیگر مقایسه می‌شوند که به آن تحلیل بین موردی اطلاق می‌شود. در تحلیل درون موردی، دموکراسی شکننده در درون

---

1- within-case analysis

## بررسی جامعه‌شناختی ناپایداری تحولات دموکراتیک در ایران معاصر

جامعه ایران معاصر از طریق مطالعه سلسله حوادثی از نوع شرایط علی تحلیل می‌شود. تحکیم دموکراسی در درون هر یک از واحدهای تحلیل به صورت جداگانه، با هدایت تئوری هانتینگتون مطالعه شده است. پاسخ نظری این سوال که چرا فرآیند دموکراسی خواهی در ایران شکننده است؟ ابتدا از تئوری استنتاج می‌شود و در ادامه در درون زمینه اجتماعی هر یک از واحدهای تحلیل، سلسله حوادثی (ماهیت دولت، قابلیت رهبری، جامعه مدنی و عامل خارجی) جستجو می‌شود. بنابراین در این پژوهش روش تطبیقی-تاریخی (QCA) با رویکرد تحلیل بولی و تکنیک تحلیل روایتی برای تبیین دموکراسی شکننده در ایران معاصر انتخاب شده است. روش جمع‌آوری اطلاعات (شواهد و مدارک تاریخی تحولات دموکراتیک) در این پژوهش روش اسنادی و کتابخانه‌ای است. پژوهش تطبیقی (کیفی) در صورتی شرایط اطلاق پیدا می‌کند که هدف ما مطالعه حادثه‌ای خاص در درون چند واحد اجتماعی کلان باشد. از حیث نوع داده، با توجه به روش تاریخی-تطبیقی، داده‌های این پژوهش از نوع داده‌های کیفی هستند.

جدول (۲): تشریح روش تحقیق

تشریح روش تحقیق		
مرحله ۲	مرحله ۱	
مقایسه بین موردی (جبر بولی)	مقایسه درون موردی (تحلیل روایتی)	تحولات دموکراتیک (شواهد تاریخی)
	قابلیت رهبری	انقلاب مشروطیت
	ماهیت دولت	
	جامعه مدنی	
	شرایط بین المللی	
	قابلیت رهبری	نهضت ملی شدن نفت
	ماهیت دولت	
	جامعه مدنی	
	شرایط بین المللی	
	قابلیت رهبری	انقلاب اسلامی ۵۷
	ماهیت دولت	
	جامعه مدنی	
	شرایط بین المللی	
قابلیت رهبری	جنبش اصلاحات دوم خرداد ۷۶	
ماهیت دولت		
جامعه مدنی		
شرایط بین المللی		

## یافته‌ها

با بازنگری دقیق می‌توان چنین نتیجه‌گیری نمود که اولاً، دموکراسی به عنوان شیوه حکومتی و دموکراسی به عنوان شیوه زندگی می‌توانند با هم سازگاری داشته باشند، بدین معنا که دموکراسی به عنوان شیوه زندگی مفهومی گسترده‌تر است که می‌تواند دموکراسی به‌عنوان شیوه حکومتی را تحت پوشش قرار دهد. ثانیاً، دموکراسی بر اساس فرهنگ خاص هر جامعه می‌تواند محتوای خاصی به خود بگیرد. یعنی می‌توان با لحاظ کردن اصول اولیه مردم‌سالاری به ارائه تعریفی از دموکراسی مبادرت کرد که خصلت یکتای جامعه را منعکس سازد.

اینکه امروزه بر سر موفقیت و عدم توفیق و سابقه دموکراسی سخن گفته می‌شود نیازمند آن است که شاخصه‌های دموکراسی که همان بنیادهای آن است را بشناسیم. بنیادهای دموکراسی و یا ارکان آن مبتنی بر چهار رکن اساسی است و به هر حکومتی که این ارکان را در نظام سیاسی خود منظور کرده و بدان التزام نظری و عملی داشته نظام سیاسی دموکرات اطلاق می‌گردد. این ارکان مهم عبارتند از: ۱- قانون اساسی ۲- نظام پارلمانی (مجلس) ۳- احزاب سیاسی ۴- مطبوعات آزاد. امروزه رکن پنجمی نیز به ارکان دموکراسی افزوده شده که آن آزادی‌های مدنی است در قالب آزادی بیان و قلم و اندیشه و عقیده و آرمان و نیز توسعه نهادهای مدنی و اجتماعی که از حقوق ملی و مردمی دفاع کنند به گونه‌ای که دموکراسی بدون آزادی‌های مدنی بی‌معنی است و مردم‌سالاری بدون آزادی‌های مدنی بی‌وجهه، بی‌پایه و بدون اساس تلقی می‌شود.

**اصول دموکراسی؛ آزادی مبتنی بر مشارکت، حاکمیت مردم، برخورداری مردم از حقوق سیاسی** برابر، اصل مشارکت، اصل اکثریت، میل و رغبت مردم، دموکراسی محلی، قدرت مردم، دکتر حسین بشیریه در کتاب گذار به دموکراسی از دو مفهوم دموکراسی حداقلی و دموکراسی حداکثری سخن می‌گوید. دموکراسی حداقلی مفهومی سیاسی است یعنی در عرصه سیاست و روابط قدرت نمودار می‌شود در حالی که دموکراسی حداکثری مفهومی فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی است که در آن باید آزادی‌ها و حقوق مدنی و عمومی در معنای سیاسی آن به واسطه برقراری میزانی از توزیع عادلانه و عدالت اجتماعی از پشتوانه لازم برخوردار شوند به نحوی که همه گروه‌های ذینفع و طبقات اجتماعی بتوانند به شیوه‌ای نسبتاً برابر در حوزه قدرت دولتی رقابت و مشارکت کنند و در نتیجه، فرهنگ دموکراتیک در سطح کل جامعه و رای نخبگان سیاسی گسترش یابد. مفهوم دموکراسی حداقلی و یا سیاسی در نظریه‌های گذار برجستگی بیش‌تری دارد.

گذرا به دموکراسی به همین معنای حداقلی، امروزه حاوی همه معانی و فرآیندهایی است که در گذشته در مفهوم و ادبیات توسعه سیاسی عنوان می‌شد و هم در برگیرنده نظریه‌های گذار به دموکراسی در ادبیات دموکراتیزاسیون در اواخر قرن بیستم می‌باشد. از این‌رو می‌توان مفهوم توسعه سیاسی را در ابعاد گوناگون آن به مفهوم گذار به دموکراسی فروکاست.



هانتینگتون موج دموکراسی شدن را اینگونه بیان می‌کند: موج دموکراسی شدن عبارت است از یک سلسله گذارهایی از رژیم‌های غیردموکراتیک به دموکراتیک که در زمان‌های خاصی صورت پذیرفته و هم‌چنین گذارهای مشخصی را در همان زمان در جهت مخالف به همراه آورده است. این موج هم‌چنین موجب رواج لیبرالی شدن و یا کم و بیش دموکراسی شدن نظام‌های سیاسی شده است که کاملاً دموکراتیک نشده بودند. البته باید توجه داشت که به کار بردن تعبیر موج برای دوره‌های مختلف تاریخ ایران که در آن‌ها شاهد حرکت‌های دموکراتیک و تغییرات مقطعی مختلفی در ساختار نظام سیاسی حاکم به نفع دموکراسی بوده‌ایم، صرفاً به منظور بهره‌گیری از نظریه امواج در فهم سابقه دموکراسی در ایران است و الا موج‌های دموکراسی در ایران، با آن‌چه هانتینگتون موج دموکراسی می‌خواند و در گستره‌ای جهانی نتیجه‌اش اغلب تغییر نظام‌های سیاسی به نظام دموکراتیک است، متفاوت است.

### تبیین جامعه‌شناختی ناپایداری تحولات دموکراتیک در ایران معاصر؛ مورد اول: انقلاب

مشروطیت، چرا مشروطه شکست خورد و نتوانست یک نظام سیاسی مدرن در ایران ایجاد نماید؟

#### عوامل داخلی موثر بر ناکامی مشروطه: ۱- پایین بودن سطح آگاهی مردم (جاسبی، ۱۳۵۹:

۱۷۹) ۲- آماده نبودن بسترهای اجتماعی و فکری جامعه ایرانی (ارباب شستان، ۱۳۸۵: ۱) ۲- سلطنت محمد علی شاه مستبد و مقتدر ۳- در رویارویی مشروطه با مشکلات اقتصادی ۴- منازعات فکری، سیاسی و عقیدتی که تحت عنوان مشروطه‌خواهی در آرای مرحوم شیخ فضل‌الله نوری تبلور یافت و بیش‌ترین بهره را از آن را محمدعلی شاه برد (زیباکلام، ۱۳۹۴: ۳۷۹). ۵- ترکیب یا ماهیت سیاسی و اجتماعی جریان‌اتی که پس از فتح تهران در پایتخت به قدرت رسیدند. ۶- ضعف سازماندهی و تشکیلات (جاسبی، ۱۳۵۹: ۱۷۹). ۷- موضوعات جدیدی هم‌چون آزادی، توده، ملت، کشور، مساوات وارد گفتمان سیاسی مشروطه شد که چندان نسبتی با شریعت نداشتند (زیباکلام، ۱۳۹۴: ۳۹۶). ۸- ضعف رهبری و یا بی‌تجربگی رهبران مشروطیت (روحانیت و روشنفکران) (صادق زاده، ۱۳۸۵: ۳۶). ۹- ماهیت کاملاً متفاوت نیروهای مشروطه خواه. ۱۰- عنوان مشروطه نیز ابتدا اندیشه و خواسته‌ای مهم بود که هرکس آن را به رأی خود تفسیر می‌کرد. ۱۱- فرهنگ ضعیف گفتگو به دلیل حاکمیت طولانی استبداد در ایران ائتلاف مشروطه‌خواهان را شکننده کرد. ۱۲- تضاد بین علما (روحانیت) و روشنفکران (ارباب شستان، ۱۳۸۵: ۷). ۱۳- مشکل نبودن و یا نداشتن فکر و برنامه‌ای برای لوازم و مصالح آزادی و حکومت مردمی (صادق زاده، ۱۳۸۵: ۳۵). ۱۴- خرده فرهنگ‌ها و منازعات قومی، قبیله‌ای و مذهبی (تنوع گروهی). ۱۵- دخالت‌های دولت در انتخاب نمایندگان که به «وکالی قرارداد» معروف شدند (اطاعت، ۱۳۸۵: ۷۵).

#### عوامل خارجی موثر بر ناکامی مشروطه: ۱- نفوذ و استیلای قدرت روسیه و انگلستان قرارداد

معروف ۱۹۰۷ (۱۲۸۶) میان روسیه و انگلستان، ایران را قصه حوزه شمالی، مرکزی و جنوبی تقسیم کرده بود. شمال ایران منطقه نفوذ روسیه و جنوب کشور قلمرو انگلستان بود. ۲- وقوع جنگ جهانی اول (۱۲۹۷-۱۲۹۳) و ورود آلمان به صحنه سیاست ایران بود (زیباکلام، ۱۳۹۴: ۴۲۷). اما، با وجود این،

احساسات انقلابی و دموکراتیک مردم تقویت شد و اشتیاق به بازسازی و تبدیل ایران به یک کشور مستقل در دل بسیاری از افراد شعله ور شد (کدی، ۱۳۹۰: ۱۴۵).

**نهضت ملی نفت:** رویدادهای ۱۳۳۰-۱۳۳۲ را باید دومین فرصت تاریخی از دست رفته تلقی کرد. (فوران، ۱۳۹۲: ۴۴۷). نهضت ملی نفت ایران رویدادی انقلابی بود، اما پیش از آنکه بتواند به یک انقلاب اجتماعی تمام عیار بدل شود، شکست خورد (کاتوزیان، ۱۳۹۵: ۲۰۹). پرسش این است که چرا چنین شد؟ عوامل داخلی ناکام ماندن نهضت ملی نفت ایران عبارتند از:

۱- عامل نخست مربوط می‌شود به مصدق؛ ویژگی‌های شخصیتی، دولت و سیاست او که سبب‌ساز شکست نهضت شد. مصدق فریفته عوام بود که سیاست خوبی محسوب نمی‌شود. مصدق در ارزیابی اختلاف میان آمریکا و بریتانیا و احتیاج دنیا به نفت ایران به خطا رفته بود و حوادث و پیامدهای بعدی خلاف محاسبات و انتظارات او را ثابت نمود (اریاب شستان، ۱۳۸۵: ۸). مصدق شخصاً از احزاب نهضت ملی - نیروی سوم، حزب ملت ایران (جناحی منشعب از پان ایرانیست‌ها) و حزب ایران - خواسته بود تا در روز ۲۸ مرداد اعضا و هواداران خود را به خیابان‌ها نیاورند تا دولت به مردم عادی نشان دهد که هنوز بر اوضاع مسلط است (کاتوزیان، ۱۳۹۵: ۲۳۶).

مصدق هرگز کنترل کامل نهادهای دولتی ایران را در دست نگرفت و نتوانست وفاداری ارتش را به سمت دولت جلب کند و در نهایت ابزار سرنگونی دولت ملی شد (فوران، ۱۳۹۲: ۴۴۷). مصدق در مبارزه پیچیده بر سر ماهیت دولت ناچار بود با عناصر محافظه‌کار و دیرینه و نیز با نیروهای پراکنده درون و بیرون ائتلاف مردم‌گرایانه خویش بجنگد. حفظ موازنه بسیار دشوار و ظریف بود. مصدق به دنبال انتقال کانون قدرت از شاه به نخست‌وزیری بود. فقدان یک برنامه مثبت توسط مصدق که در بیش از ۲/۵ سال حکومت، به هیچ اقدام مهمی در زمینه اصلاحات اجتماعی دست نزد (کاتوزیان، ۱۳۹۵: ۲۲۵).

۲- ماهیت و عملکرد احزاب سیاسی: چرا حزب توده منفعل باقی ماند؟ ماهیت جبهه ملی ائتلاف ناهمگونی از لیبرال‌ها، سوسیالیست‌ها و گروه‌های مذهبی بود که با توجه به خاستگاه‌های متفاوت فکری و طبقاتی، شکنندگی آن‌ها را روشن ساخت (مدنی، ۱۳۶۱: ۲۹۲). ۳- به محض اینکه نهضت ملی رنگ و جلای ناسیونالیسم به خود گرفت انگیزه قدرت طلبی شدت یافت ۴- تعارض در رهبری؛ از یک طرف آیت الله کاشانی که خواهان وحدت جهان اسلام در برابر استعمار بود و از سوی دیگر دکتر محمد مصدق به عنوان یک چهره ناسیونالیست شناخته می‌شد. ۵- همه چیز به حل مسئله نفت بستگی داشت و شکست در این مهم دلیل اصلی سرخوردگی، چند دستگی و شکست نهایی بود (کاتوزیان، ۱۳۹۵: ۲۰۹). ۶- یکی از علل موفقیت کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، علاوه بر اتحاد و وحدت کلام خودشان، تفرقه‌های ملت ما بود (بازرگان، ۱۳۶۳: ۱۶).

عوامل خارجی ناکام ماندن نهضت ملی نفت ایران عبارتند از: ۱- حل نشدن اختلاف نفتی ایران و بریتانیا سبب شد تا درآمد اقتصادی ایران کاهش یابد. این بحران اقتصادی به دلیل اقتصاد تک‌محصولی

وابسته به نفت و بلوکه کردن طلاهای ایران توسط شوروی شکل گرفت. ۲- آمریکا منافع خود را در سرنگونی دولت ملی مصدق دید و توطئه کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ را تشکیل داد. ارتش نیز تحت رهبری شاه با کمک آمریکا دو رژیم کمونیستی خودمختار را که با کمک ارتش سرخ در آذربایجان و کردستان تشکیل شده بودند، در هم شکست. این رویداد موجب افزایش نفوذ شاه شد (بشیریه، ۱۳۹۵: ۳۸).

**انقلاب اسلامی ۵۷ ایران:** این انقلاب در اصل ائتلافی میان بخش‌هایی از اشرافیت ایرانی، روشنفکران نوپا و طبقه تاجر پیشه جدید برای اصلاحات سیاسی از بالا بود ولیکن در دستیابی به اهداف اصلی خود توفیق کامل نیافت (بشیریه، ۱۳۹۲: ۷۷).

نظام جمهوری اسلامی به عنوان «دولت ایدئولوژیک» از همان آغاز مواجه با چندین بحران متراکم بوده است هرچند که این بحران‌ها به ویژه پس از سال ۱۳۶۸ بروز آشکارتری یافته است. برخی از این بحران‌ها نتیجه فشارهای فرآیند دموکراتیزاسیون از درون بوده و از همان آغاز کم و بیش حضور داشته‌اند. در مقابل برخی دیگر از بحران‌ها و یا برخی از آن‌ها در نتیجه فشارهای فرآیند جهانی شدن عارض گردیده‌اند. به‌طور کلی فشارهای دموکراتیزاسیون از داخل و فشارهای جهانی شدن از خارج که با یکدیگر مرتبط هستند، دست به دست هم داده و نظام سیاسی ایران را که دارای ویژگی‌های مختص خود است، با بحران مواجه ساخته‌اند:

۱- بحران مشارکت سیاسی: به طور کلی در ایران زمینه وقوع انقلاب اجتماعی از پایین پدید نیامد و اساساً در مسیر نوسازی به شیوه محافظه‌کارانه یا اصلاحات از بالا قرار گرفت و سرانجام با واکنش سنت گرایی‌های با عرصه نوسازی غربی مواجه شد شکاف بین نیروهای سنتی و مدرن در سال‌های اولیه انقلاب در قالب دو گرایش عمده اسلامی و غیر اسلامی ظاهر شد (بشیریه، ۱۳۹۲: ۷۸).

۲- بحران مشروعیت سیاسی: نظام سیاسی در ایران بنا به قانون اساسی دارای سه مبنای مشروعیت است: یکی مشروعیت و اقتدار تئوکراتیک- کاریزماتیک که در قالب نهاد ولایت فقیه ظاهر شده است؛ دوم اقتدار سنتی- روحانی که به موجب آن برخی از مهم‌ترین مناصب حکومتی به طبقه روحانی واگذار می‌شود و مظهر اصلی آن شورای نگهبان است؛ و سوم اقتدار قانونی- دموکراتیک که مجلس و نهاد ریاست جمهوری و شوراها مدافع اصلی آنند. اما تداخل و تعارض آن سه نوع موجب بی‌ثباتی سیاسی، بروز اختلاف درباره شکل فعالیت و مشارکت سیاسی و نهایتاً بحران در مشروعیت می‌گردد. به نظر می‌رسد که خلط و تداخل انواع مشروعیت و عدم غلبه الگویی واحد زمینه‌چین بحرانی را در جمهوری اسلامی فراهم آورده است (بشیریه، ۱۳۹۲: ۸۹).

۳- بحران سلطه سیاسی: در مورد صورت بندی اجتماعی- سیاسی خاص ایران از ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۶ این سه کار ویژه به صورت زیر قابل بیان است: اولاً انسجام و وحدت طبقات سنتی و ماقبل سرمایه‌داری حاکم در بلوک قدرت از طریق ایجاد استیلای ایدئولوژیک و ممانعت از فعال شدن شکاف‌های بالقوه. ثانیاً

جلوگیری از انسجام نیروهای متعلق به طبقات مدرن به شیوه‌های گوناگون و ایجاد تفرقه میان آن‌ها. ثالثاً بسیج توده‌ای جهت تأمین مقاصد خود. (همان، ۹۹)

ظهور نخبه‌گرایی سیاسی در فرآیند انقلاب، تقویت عنصر اشرافی و پدرسالارانه، ترکیب فزاینده قوای سه گانه، اضمحلال تشکلات مردمی، ظهور و استیلای گروه‌های فشار و نفوذ، کنترل جناحی در فرآیند استخدام نیروها در مؤسسات دولتی، کوشش برای هم شکل‌سازی اذهان، ضرورت گذر همه چیز از فرهنگ و کتاب گرفته تا کردارهای فردی از تسمه خط تولید فکری و ایدئولوژیک حاکم و غیره، واکنش‌های خاموشی برانگیخت که بعد از خرداد ۷۶ به تدریج آشکارتر و سازمان یافته‌تر شد. (همان، ۱۰۴).

بحران‌های مشروعیت، مشارکت و سلطه سه وجه واقعیت واحدی را تشکیل می‌دهند که از یک سو به ویژه در سال‌های پس از ۱۳۶۸ موجب تضعیف کار ویژه‌های اصلی حکومت در حفظ همبستگی و حل منازعات سیاسی و اجتماعی گردیده و از سوی دیگر با ایجاد شکاف در بلوک قدرت نیروهای سیاسی تازه‌ای را ایجاد و یا آزاد ساخته است.

نتایج کلی طرح پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌ها که موج اول آن در ۲۸ مرکز استان در سال ۱۳۷۹ با جامعه آماری ۱۶۸۲۴ نفر انجام گرفت را می‌توان در محورهای زیر خلاصه کرد: کاهش در اعتقاد و التزام مذهبی افراد به ویژه نقصان در باورهای مذهبی جوانان؛ رابطه معنی‌دار میان کاهش در اعتقاد و التزام با کاهش سن و افزایش سواد، کاهش علاقه به دروس دینی، گرایش فزاینده به شیوه زندگی غیردینی و غیرایدئولوژیک، گسترش استفاده از فرآورده‌های فرهنگی غیر مجاز از نظر حکومت دینی، تعارض فزاینده میان ارزش‌های نسل انقلابی و نسل جدید، کاهش احساس امنیت و گسترش احساس ناامنی؛ گسترش شاخص‌های بی‌اعتمادی و بدینی، کاهش احساس همبستگی و پیوند اجتماعی، افزایش احساس بی‌عدالتی اجتماعی اعم از بی‌عدالتی قانونی و بی‌عدالتی در فرصت‌ها، افزایش بی‌اعتمادی سیاسی به ویژه در امر رعایت ملاک‌های شایستگی و کاردانی، کاهش چشم‌گیر احساس تأثیر گذاری سیاسی، کاهش در نرخ علاقه‌مندی سیاسی؛ افزایش بی‌اعتمادی به احزاب سیاسی و عملکرد آن‌ها؛ کاهش احساس امید اجتماعی و غیره (بشیریه، ۱۳۸۴: ۱۰۰).

اصلاح‌طلبان در چهار انتخابات پی در پی (هفتمین انتخابات ریاست جمهوری در سال ۱۳۷۶، اولین انتخابات شوراهای شهر در سال ۱۳۷۷، ششمین انتخابات مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۷۸ و هشتمین انتخابات ریاست جمهوری در سال ۱۳۸۰) به پیروزی دست یافتند و توجه تحلیلگران مسائل سیاسی و اجتماعی ایران را به خود جلب کردند، اما پس از این، مقبولیت اجتماعی خود را از دست دادند و شکست‌های تکان دهنده و مستمری را در چندین انتخابات بعدی (دومین انتخابات شوراهای شهر در سال ۱۳۸۱، هفتمین انتخابات مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۸۲ و نهمین انتخابات ریاست جمهوری در سال ۱۳۸۴) تجربه کردند (جمشیدی، ۱۳۸۸: ۳۴).

شکست در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۴، معیار فرود و افولشان دانسته شده است (جمشیدی، ۱۳۸۸: ۳۵). در دوره دوم خاتمی نسبت به دوره اول ارزیابی‌اش به گونه‌ای است که شاهد ریزش شتابان و تصاعدی طرفداران اصلاحات هستیم (بهلولی، ۱۳۸۴: ۱۳).

زمینه‌ها و عللی که سبب بی‌اعتنایی مردم به اصلاح طلبان و خروج تدریجی آن‌ها از حاکمیت سیاسی شدند: ۱- تداوم سیاست تعدیل اقتصادی: جهت‌گیری اقتصادی هر دو دولت‌سازندگی و اصلاحات یکسان بود. ۲- تمرکز محض بر دغدغه‌های سیاسی و روشنفکرانه: آن‌ها مطالبات و خواسته‌های توده‌های مردم را به چند اصطلاح سیاسی و روشنفکرانه تقلیل دادند (جمشیدی، ۱۳۸۸: ۴۶). ۳- کشمکش درونی اصلاح‌طلبان: چون برداشت واحدی از روش‌ها و اهداف «اصلاحات» در میان خود نداشتند (جمشیدی، ۱۳۸۸: ۴۷). ۴- ناتوانی خاتمی در برآورده کردن مطالبات ساختار شکنانه اپوزیسیون. ۵- غوغازیستی و تنش آفرینی اصلاح طلبان: مسأله قتل‌های زنجیره‌ای، تحریم انتخابات، مسائل مربوط به کوی دانشگاه از این جمله‌اند (جمشیدی، ۱۳۸۸: ۴۸). ۶- در دوم خرداد و در اصلاحات به شعار عدالت کمتر پرداخته شد ۷- مسئله دیگر، غفلت از سازماندهی اجتماعی است و همان بحث جامعه مدنی بود. در دولت‌های نهم و دهم سازمان زدایی شد ۸- علت اینکه سید محمد خاتمی نتوانست به موفقیت دست یابد اشتباهاتی بود که خود خاتمی نیز به آن اشاره کرده است. بزرگ‌ترین این اشتباهات، عدم در نظرگیری فرهنگ حاکم بر جامعه، توقعات بیجا و غیرمنطقی احزاب و گروه‌ها، مردم و دانشجویان از خاتمی، عدم وجود نهادهای مدنی قانونی و اثرگذار، عدم توجه به نقش دین در توسعه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی کشور می‌باشد. (کمالی بانیانی، ۱۳۸۵: ۳۲). ۹- اصلاح طلبان موجب گسترش بی‌اعتمادی ملی و گسست جامعه و دولت شدند. راه علاج پارادوکس دموکراسی توسعه تاریخی ایران را در دموکراسی تعاملی نخبگان می‌دانند، نه در دموکراسی توده‌ای اصلاح طلبان (بهلولی، ۱۳۸۴: ۱۲). ۱۰- عدم درک درست از منطق تدریجی تکامل و نادیده گرفتن ملزومات توسعه ایران با استراتژی‌های جدید غربی‌ها که حاصل انتخاب طبیعی جامعه غربی بوده است (همان، ۱۴). خطری که دوم خرداد را تهدید می‌کند، نحوه استفاده از آزادی‌ها و عدم توجه به لوازم عقلانیت است (باقی، ۱۳۸۳: ۳۰۰). ۱۱- اصلاح طلبان با تقسیم جامعه به خودی و غیرخودی، ویران کردن ظرف اعتماد ملی با نوعی توهم پاتولوژیک، گذاشتن بار تغییر فراتر از تحمل و ایجاد انقلاب انتظارات و درخواست‌ها، اولویت ندادن و محمل گذاشتن اصلاحات بر حوزه‌های فنی مدیریت جامعه که با اقتصاد و معیشت و سلامت و امنیت زندگی فردی و اجتماعی آحاد مردم در ارتباط بود، سپردن مقدرات به دست فرصت طلبان انقلابی مآب و انحصار اصلاحات به بعد سیاسی، موجبات بی‌اعتمادی و گسست جامعه را فراهم کردند. نداشتن پارادایم تئوریک و فقدان آینده نگری مبتنی بر آن را هم که اضافه کنیم، عمق مشکل روشن‌تر می‌شود (بهلولی، ۱۳۸۴: ۱۵). ۱۲- معضل نظری و فکری اصلاح طلبان، «اتکای مطلق آن‌ها بر «نظریات علوم اجتماعی سکولار غرب» بود. همین امر سبب دورافتادگی آن‌ها از واقعیت‌های جامعه ایران و سرانجام ناکامی و سقوط آن‌ها گردید (جمشیدی، ۱۳۸۸:

۳۹). ۱۳- گسترش آنومی سیاسی از یک سو فرآورده تعارض میان ایدئولوژی رسمی و افکار عمومی و از سوی دیگر محصول ناکامی در گذار در طی سال‌های اصلاحات بوده است (بشیریه، ۱۳۸۴: ۹۷). تعارض و یا ناهماهنگی فزاینده میان ایدئولوژی رسمی و کردارها و افکار عمومی، زمینه اصلی آنومی یا بی‌هنجاری سیاسی و انفعال فزاینده برخاسته از آن را تشکیل می‌دهد. به طور کلی منظور از آنومی در شرایط ایران ضعف هنجارها و همبستگی ایدئولوژیک از یک سو و عدم استقرار همبستگی و هنجارهای دموکراتیک از سوی دیگر است (بشیریه، ۱۳۸۴: ۹۹). ۱۴- از جمله ویژگی‌های سید محمد خاتمی عبارتند از: مشروطه خواهی، رابطه با غرب، مقابله با سنت گرایی، نفوذ کلام، ایجاد احزاب سیاسی، اعتقاد به هویت دینی، بازگشت به خویشتن و پیوند دین و سیاست. محسن کدیور ضمن اشاره به عدم تحقق بخشی از انتظارات جامعه از خاتمی، می‌گویند: او هرگز باور نکرد که رهبر اصلاحات است و همواره به عنوان رئیس‌جمهور قانون اساسی باقی مانده. این در حالی است که مردم او را رهبر اصلاحات می‌پنداشتند و چند سال طول کشید تا مردم پذیرفتند که خاتمی نقش رهبری را برای خود باور ندارد. از یک سو مشخصاً هیچ برنامه‌ای نداشت و از سوی دیگر نخواست برنامه‌ای برای تحقق آن‌ها ارائه کند (کمالی بانیانی، ۱۳۸۵: ۳۰). ۱۵- نبود نهادهای مدنی قوی از تنگناهای جدی دوران اصلاحات بود (کمالی بانیانی، ۱۳۸۵: ۳۱). ۱۶- با اینکه اصلاح طلبان طی هشت سال (۱۳۷۶-۱۳۸۴) در حاکمیت سیاسی حضور داشتند اما هیچگاه به صورت دقیق مشخص نکردند که مراد آن‌ها از «اصلاحات» چیست (جمشیدی، ۱۳۸۸: ۳۷). ۱۷- یکی دیگر از ضعف‌های جنبش اصلاحات، فقدان سازمان است. چون جنبش اصلاح طلبی بر اساس یک برنامه از پیش تعیین شده نبود. ۱۹- یکی دیگر از مشکلات جنبش اصلاحات، ضعف شناختی و تئوریک آن بود. از لحاظ تئوریک روی جریان اصلاحات و امکانات و لوازم و شرایط آن از قبل کار نشده است (باقی، ۱۳۸۳: ۳۲۵).

### بحث و نتیجه گیری

با توجه به مباحث مطروحه می‌توان چهار مقطع دموکراسی در ایران معاصر را بر اساس فاکتورهای؛ ساختار پیش از خیزش دموکراتیک، علل تحولات و تغییرات، قابلیت رهبران جنبش‌ها، ماهیت دولت، وضعیت جامعه مدنی و نفوذ قدرت‌های خارجی، مقایسه کرد. در جدول ذیل به این موضوعات به اختصار اشاره شده است.

## بررسی جامعه‌شناختی ناپایداری تحولات دموکراتیک در ایران معاصر

جدول (۳): چهار مقطع دموکراسی در ایران معاصر

مقایسه بین موردی				تحولات دموکراتیک	
نفوذ قدرت های بزرگ	ضعف جامعه مدنی	ماهیت دولت	قابلیت رهبری	علل تحولات	ساختار پیشین
نفوذ و دخالت قدرت های روسیه و انگلیس	فقدان نهادهای دموکراتیک و نبود تجربه پیشین	گذار از پاتریمونالیسم و نظام سلطنتی	اختلاف بین رهبران (طباطبایی و بهبهانی با نوری)	قانون گرایی	پارتیمونالیسم سنتی
نفوذ و دخالت آمریکا و نقش مستقیم آن در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲	سایه پهلوی دوم و بی رمق بودن جامعه مدنی	دولت تحصیل‌دار	عدم توانایی مصدق در مدیریت مسائل گریباتگیر نهضت	استقلال خواهی	مدرنیسم مطلقه پهلوی اول
بحران گروگانگیری و انزوای سیاسی اقتصادی ایران	بیچ توده ای و ضعف شدید جامعه مدنی	دولت ایدئولوژیک و تحصیلدار و دموکراسی صوری	توانایی رهبری ایت الله خمینی و ناوابستگی وی به جناح های مختلف	جمهوری خواهی	مدرنیسم مطلقه پهلوی دوم
همراهی نکردن آمریکا با اصلاحات و محور شرارت خواندن ایران	گفتمان جامعه مدنی و شکل گیری و حیات ضعیف آن	دولت رانتیر و شبه دموکراسی	ناخودباوری خانمی به عنوان رهبر اطلاعات	اصلاح طلبی	سنت گرایی ایدئولوژیک
					جنبش اصلاحات

مراحل مقایسه کیفی با روش جبر بولی: ۱- تشکیل جدول نظریه راهنمای دموکراسی شکننده (بر اساس تئوری هانتینگتون). دموکراسی شکننده در درون هر یک از دوره‌های تاریخی به صورت جداگانه، با هدایت تئوری مطالعه شده است و در پی پاسخ نظری به این سوال است که چرا فرآیند دموکراسی خواهی در ایران شکننده است؟ برای این کار ابتدا باید دوره‌های تحولات دموکراتیک در ایران معاصر را بر اساس نظریه راهنما (نظریه تلفیقی هانتینگتون) و طبق عوامل مؤثر در نظریه راهنما مقایسه کرد. در جدول ذیل که به عنوان پیش درآمدی بر جدول ارزش است، این کار صورت گرفته است.

جدول (۴): جدول نظریه راهنمای دموکراسی شکننده

شواهد تاریخی		علل در نظریه راهنما		نظریه راهنما
جنبش اصلاحات	انقلاب ۵۷	نهضت ملی نفت	مشروطیت	نظریه هانتینگتون (تلفیقی)
؟	؟	؟	؟	نخبگان سیاسی
؟	؟	؟	؟	ماهیت دولت
؟	؟	؟	؟	نهادهای دموکراتیک
؟	؟	؟	؟	عامل خارجی

۲- تشکیل جدول ارزش برای نمایش داده‌ها:

در این جدول عدد یک به معنای وجود عامل و عدد صفر به معنای عدم وجود عامل در دوره تاریخی مورد نظر است.

جدو (۵): جدول ارزش برای نمایش داده‌ها

(Y) پیامد/متغیر وابسته (دموکراسی شکننده)	شرایط/علل (متغیرهای مستقل)			
	(A) قابلیت رهبری	(B) ماهیت شکننده دولت	(C) جامعه مدنی ضعیف	(D) نفوذ قدرت‌های بزرگ
مشروطیت	۰	۱	۱	۱
ملی شدن نفت	۰	۱	۱	۱
جمهوری اسلامی	۱	۱	۱	۰
اصلاحات	۰	۱	۱	۱

۳- نوشتن معادلات اولیه و منتجه‌های اولیه و مشخص کردن شرایط لازم و کافی: با توجه به شواهد تجربی بدست آمده در جدول ارزش در خصوص دموکراسی شکننده و بر اساس قواعد جبر بولی، الگوی دموکراسی شکننده یا ناپایداری تحولات دموکراتیک در ایران به صورت زیر بیان می‌شود:

$$Y = aBCD + aBCD + ABCd + aBCD$$

Y علامت اختصاری دموکراسی شکننده است و همان‌طور که در جدول ارزش مشخص شده است حروف بزرگ نشانه وجود عامل و حروف کوچک نشانه عدم وجود عامل می‌باشد. هریک از ترکیب‌های معادله فوق بیانگر وجود یا عدم وجود عوامل موجود در نظریه راهنما در یک دوره خاص است. و با توجه به توضیحاتی که در قسمت روش ارائه شد منتجه‌های معادله فوق به صورت زیر نوشته می‌شود (دو ترکیب). و در نهایت معادله نهایی و شرایط لازم و کافی از معادله نهایی استخراج می‌گردد.

$$Y = aBCD + ABCd$$

۴- نوشتن منتجه‌های اولیه

$$Y = BC$$

۵- نوشتن معادله نهایی

$$Y = B + C$$

۶- شرایط لازم و کافی

در نتیجه همان‌گونه که مشاهده می‌شود، دموکراسی شکننده در ایران ناشی از حضور هم‌زمان تأثیر ماهیت شکننده دولت و نیز جامعه مدنی ضعیف است. البته قابلیت رهبری و نفوذ و دخالت قدرت‌های بزرگ تنها در دوره جمهوری اسلامی تأثیرگذار بوده اند. این نتیجه بیانگر این واقعیت است که در ایران معاصر شرایط ساختاری بر تحکیم یا عدم تحکیم تحولات دموکراتیک تأثیرگذاری بیش‌تری دارد تا عوامل فردی (قابلیت رهبری). در هر صورت ضعف دموکراسی در ایران بیش‌تر ناشی از ضعف جامعه مدنی از یک طرف و ماهیت پاتریمونیال، رانتیر و ایدئولوژیک دولت از طرف دیگر است.

تئوری تلفیقی هانتینگتون به عنوان تئوری راهنما در این تحقیق در جامعه ایران مورد آزمون قرار گرفت. با توجه به تلفیقی بودن آن یعنی توجه هم‌زمان به عاملیت و ساختار، قدرت وجه ساختاری آن در تبیین فراز و فرودهای دموکراسی خواهی مشهود گشت. این نکته قابل توجه است که هرچند که قابلیت رهبری جنبش‌ها به عنوان عاملی مهم جلوه‌گری کرده است و در جمهوری اسلامی قدرتمندانه انقلاب را



به پیش برده و به سرانجام مقصود رسانده است و در سایر تحولات دموکراتیک معاصر رهبران از این قابلیت برخوردار نبودند اما همین عامل بدون در نظر گرفتن ساختار جامعه مدنی، احزاب، نهادهای دموکراتیک و ... و نیز ساختار دولت و رژیم سیاسی قطعاً شرط لازم بوده اما کافی نیست. همین قضیه در ارتباط با شرایط بین‌المللی دوره‌های گذار به دموکراسی در ایران نیز صادق است.

جامعه مدنی و ماهیت دولت در ایران از شرایط لازم و کافی تداوم تحولات دموکراتیک بوده و زمانی این تحولات دموکراتیک شکننده خواهد بود که شرایط ساختاری در جامعه ایرانی (ماهیت دولت و وضعیت جامعه مدنی) به سمت دولت تحصیل‌دار و رانتیر و تضعیف نهادهای دموکراتیک حرکت کند. جامعه مدنی ریشه در فرهنگ، تاریخ و روحیه ایرانیان و بالاخص ریشه در دین اسلام دارد. در جامعه ایرانی باید باور جامعه مدنی را در مردم ایجاد کرد از جمله قانون‌پذیری، حاکمیت مملی، حل و فصل اختلافات از طریق قانون و میل به تغییر. ذیلاً به برخی از راهکارهای عملی تدارک زمینه‌های دموکراسی و تداوم آن اشاره می‌گردد:

- از نظر فرهنگی و اجتماعی باید سطح آگاهی مردم را بالا برد البته عامه مردم شاید اطلاعات عمومی خوبی داشته باشند اما قشر تحصیل کرده باید مجهز به آگاهی‌های سیاسی و تاریخ معاصر ایران باشند تا بتوانند با کنار هم قرار دادن رویدادهای گذشته در جهت رفتارهای دموکراتیک گام‌های مؤثر و بادوام بردارند. و از تصمیمات عجولانه و عوام‌گرایانه پرهیز کنند.

- از نظر اقتصادی مسئله نفت از عوامل بسیار تأثیرگذار در تاریخ معاصر ایران بوده است. که بر ماهیت دولت، اقتصاد، فرهنگ و اجتماع در ایران اثرات مخربی به جا گذاشته است و تداوم مسأله وابستگی را باعث شده است. رویارویی منطقی با مشکلات اقتصادی مردم و تلاش در جهت کاهش فشارهای ناشی از آن روی مردمی که به واسطه اینترنت و دسترسی آسان به منابع خبری و اطلاعاتی به راحتی در جریان سرمنشأ رودادها قرار می‌گیرند.

- از نظر آموزش و تربیت تقویت فرهنگ گفتگو، همگرایی و همبستگی اجتماعی، نظم و کار تشکیلاتی و بالاخص بحث شهروند به صورت بنیادی و از طرق آموزش و تربیت رسمی در مدارس و دانشگاه‌ها به گونه‌ای تئوریک و عملیاتی به کار گرفته شود.

#### منابع

- بشیریه، حسین. (۱۳۸۴). گذار به دموکراسی. تهران: نگاه معاصر.
- بشیریه، حسین. (۱۳۹۴). موانع توسعه سیاسی در ایران. تهران: گام نو.
- بشیریه، حسین. (۱۳۹۴). گذار به مردم‌سالاری. تهران: نگاه معاصر.
- بشیریه، حسین. (۱۳۹۲). دیباچه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران دوره جمهوری اسلامی. تهران: نگاه معاصر.

- بازرگان، مهدی. (۱۳۶۳). انقلاب ایران در دو حرکت. تهران: نشر نراقی.
- باقی، عمادالدین. (۱۳۸۳). جنبش اصلاحات دموکراتیک در ایران. تهران: انتشارات سرایی.
- جاسبی، عبدالله. (۱۳۵۹). بررسی نهضت‌های اخیر ایران انقلاب مشروطیت. تهران: بی‌جا
- زیبا کلام، صادق. (۱۳۹۴). ریشه‌یابی علل ناکامی اصلاحات و نوسازی سیاسی در عصر قاجار سنت و مدرنیته، تهران: انتشارات روزنه.
- ساعی، علی. (۱۳۹۲). روش پژوهش تطبیقی با رویکرد تحلیل کمی، تاریخی و فازی. تهران: نشر آگه.
- شهرام نیا، سید امیر مسعود. (۱۳۸۶). جهانی شدن و دموکراسی در ایران. تهران: نگاه معاصر.
- طالبان، محمدرضا. (۱۳۹۳). روش‌شناسی مطالعات انقلاب با تأکید بر انقلاب اسلامی ایران. تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
- فوران، جان. (۱۳۹۲). مقاومت شکننده تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سال‌های پس از انقلاب اسلامی. ترجمه‌ی احمد تدین، تهران: مؤسسه خمت فرهنگی رسا.
- کاتوزیان، محمدعلی همایون. (۱۳۹۵). اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی. ترجمه‌ی محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، تهران: نشر مرکز.
- مدنی، سیدجلال‌الدین. (۱۳۶۱). تاریخ سیاسی معاصر ایران. جلد اول، تهران: دفتر انتشارات اسلامی.
- مدنی، سیدجلال‌الدین. (۱۳۶۱). تاریخ سیاسی معاصر ایران. جلد دوم، تهران: دفتر انتشارات اسلامی.
- هانتینگتون، ساموئل. (۱۳۹۴). موج سوم دموکراسی در پایان سده بیستم. ترجمه‌ی احمد شهسا، تهران: انتشارات روزنه.
- ارباب شستان، محمدیوسف. (۱۳۸۵). مقایسه‌ای میان نهضت مشروطه ایران و نهضت ملی شدن نفت، <http://www.islahweb.org/content/2006/9/95>
- اطاعت، جواد. (۱۳۸۵). ماهیت دولت در ایران (۱) دولت پاتریمونیال پیش از مشروطیت. اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۲۳۱-۲۳۲.
- اطاعت، جواد. (۱۳۸۵). ماهیت دولت در ایران (۲) دوره گذار از دولت پاتریمونیال به دولت اتوکراتیک. اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۲۳۳-۲۳۴.
- اطاعت، جواد. (۱۳۸۵). ماهیت دولت در ایران (۳) دولت اتوکراتیک (پهلوی اول). اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۲۳۵-۲۳۶.
- اطاعت، جواد. (۱۳۸۵). ماهیت دولت در ایران (۴) گذار از دولت اتوکراتیک به دولت اقتدارگرای بروکراتیک. اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۲۴۳-۲۴۴.

## بررسی جامعه‌شناختی ناپایداری تحولات دموکراتیک در ایران معاصر

- اطاعت، جواد. (۱۳۸۵). ماهیت دولت در ایران (۵) سیاست و سلطه اقتدارگرایی بروکراتیک. اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۲۴۶-۲۴۵.
- جمشیدی، مهدی. (۱۳۸۸). علل ظهور و افول اصلاح‌طلبان، تبیین جامعه‌شناختی. معرفت، شماره ۱۳۸.
- صادق زاده، محمود. (۱۳۸۵). پیامدها و دلایل ناکامی انقلاب مشروطیت، حافظ، شماره ۳۲
- صالحی، محمدجواد. (۱۳۹۰). موانع تحکیم دموکراسی در افغانستان، پایان‌نامه دوره دکتری دانشگاه تهران.
- فراستخواه، مقصود. (۱۳۸۰). دو قرن چالش توسعه و دموکراسی در ایران، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۷۱-۱۷۲.
- Held, David. (2006). Models of Democracy, Stanford California.
- Tilly, Charles. (2007). Democracy Sociological of Historical Democratic Change, Cambridge University Press.
- Keddie, Nikki R. (1981). Root of Revolution: An Interpretive History of Modern Iran, Yale University press.
- Ragin, Charles C. (1989). The Comparative Method: Moving beyond Qualitative and Quantitative Strategies, University of California press.
- Lipset, Seymour Martin. (1995). The Encyclopedia of Democracy, Congressional Quarterly.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی